



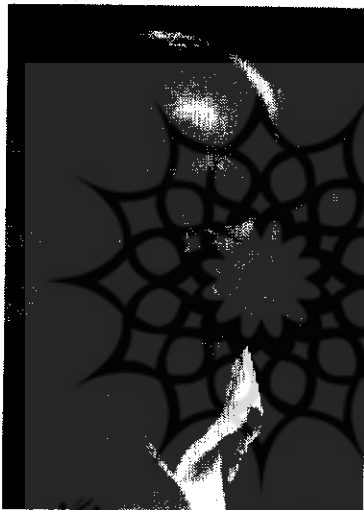
مقاله

فقر در ایران

سعید مدنی* - بخش سوم

در بخش های اول و دوم این مقاله که در شماره های ۹۹ و ۱۰۰ مجله علمی اقتصاد ایران به چاپ رسید تلاش شد تا پس از توضیح درباره مفهوم فقر و نابرابری، شاخص های فقر در دوره انقلاب و جنگ (۱۳۶۲ تا ۱۳۶۸) و برنامه اول توسعه (۱۳۶۸ - ۱۳۷۲) مورد بررسی قرار گیرند. در این قسمت بحث را با ارزیابی وضعیت فقر و نابرابری در برنامه دوم توسعه ادامه می دهیم.

بود. این پدیده کنار نوسان های درآمدهای نفتی موجب کسری بودجه قابل توجه دولت و در نتیجه استقراض از بانک مرکزی شد. نتیجه این وضعیت رشد نقدینگی و افزایش تورم بود. به همین دلیل در سال های برنامه دوم توسعه (۱۳۷۴ - ۱۳۷۸) ترکیب رشد $3/2$ درصدی و تورم $25/1$ درصدی وضعیت معیشتی دشواری را پیش روی مردم ایران قرار داد که به نارضایتی گسترده انجامید و یکی از زمینه های مهم پیروزی اصلاح طلبان و منتقدان دولت را در خرداد ۱۳۷۶ فراهم آورد.



مردان عمل که تصور می کنند زیر نفوذ فکری هیچ کس نیستند، غالباً طوق بردگی اقتصاددانی را بر گردن دارند که نظریه های وی کهنه و از رده خارج شده است.

(کینز، ۱۹۳۶)

۱- فقر و نابرابری در برنامه دوم توسعه

(۱۳۷۴ - ۱۳۷۸)

۱-۱- سیاست های اقتصادی

برخی از مهم ترین شاخص های کلان اقتصادی کشور در سال ۱۳۷۳ یعنی سالی که به پایان برنامه اول ضمیمه گردید عبارت بود از نرخ رشد اقتصادی $5/0$ درصد، کاهش $14/2$ درصدی در نرخ تشکیل سرمایه ثابت

جدول ۱ پیش بینی نرخ تورم و نرخ تورم رسمی را در سال های برنامه دوم توسعه نشان می دهد:

جدول ۱

سال	پیش بینی تورم توسط سازمان برنامه	نرخ تورم رسمی اعلام شده توسط بانک مرکزی
۱۳۷۴	۱۲/۴	۴۹/۴
۱۳۷۵	۱۲/۴	۲۳/۲
۱۳۷۶	۱۲/۴	۱۷/۲
۱۳۷۷	۱۲/۴	۲۰
۱۳۷۸	۱۲/۴	۱۹/۳

منبع: کیانی، ۱۳۷۹

عدم توفیق برنامه اول در کنترل تورم و ناتوانی در اصلاح نظام یارانه ها، جهت گیری های برنامه دوم را تا حدی تحت تاثیر قرار داد. به همین سبب تلاش در جهت تحقق عدالت اجتماعی در صدر هدف های کلان کیفی برنامه دوم قرار گرفت. به این منظور نیز برخی خط مشی های زیر ذیل هدف مذکور آمد:

۱- توسعه و بهبود کیفیت شرایط عمومی زندگی مردم شامل

خالص، رشد نقدینگی $35/8$ درصدی، نرخ تورم $35/2$ درصدی و افزایش $58/6$ درصدی در نرخ ارز بازار غیر رسمی. (وزارت اقتصاد و دارایی، ۱۳۸۳)

برنامه دوم توسعه در ادامه سیاست های برنامه اول توسعه تنظیم گردید، در عین حال به دلیل تبعات منفی گسترده و غیر قابل کنترل اجرای برنامه اول بر شاخص های کلان اقتصادی دولت ناچار شد "تثبیت" را به عنوان محوری ترین سیاست خود در سال ۱۳۷۴ (سال آغاز برنامه دوم توسعه) در دستور کارش قرار دهد و از سرعت اجرای برنامه های پیش بینی شده در برنامه دوم بکاهد. به علاوه در سال های ۱۳۷۳ و ۱۳۷۴ با توجه به بروز نوسانات شدید نرخ ارز در بازار غیر رسمی و همچنین افزایش بی رویه قیمت ها، سیاست های ارزی و تجاری تثبیتی و کنترلی تا حدودی جایگزین سیاست های "تعديل" شد، تا جایی که در اوایل سال ۱۳۷۴ نرخ ارز بار دیگر کنترل شد.

علاوه بر این منابع ارزی قابل توجهی که در طول برنامه اول از طریق استقراض در اختیار دولت قرار گرفته بود به تدریج متوقف شد، زیرا زمان بازپرداخت بدهی های استمهال شده نیز فرارسیده

دوره پنجم ۱۳۸۵
توسعه و بهبود کیفیت شرایط عمومی زندگی مردم شامل

- بهبود توزیع درآمد و ثروت و کاهش ضریب جینی
- ۲- تعمیم، گسترش و بهبود نظام تأمین اجتماعی
 - ۳- عنایت به مناطق محروم و روستاها با اولویت اشتغال، بهداشت، آموزش، تولید و عمران
 - ۴- حمایت از اقشار نیازمند و آسیب‌پذیر

علاوه بر موارد بالا فهرست نسبتاً طولانی از خط‌مشی‌های برنامه دوم را می‌توان ارائه کرد که در آنها بر ضرورت بهبود وضعیت فقر و نابرابری تأکید شده است. در هر حال در برنامه دوم تلاش شد تا با برخی اصلاحات از فشار فقر و نابرابری بر دوش مردم کاسته شود. به همین دلیل دولت از سال ۱۳۷۴ مجدداً به تثبیت نرخ ارز، کنترل قیمت‌ها و اعمال محدودیت‌های واردات روی آورد، اما مازاد تراز پرداخت‌ها را صرف بازپرداخت دیون خارجی کرد. تنگنای ارزی دوره ۷۸-۱۳۷۴ به کاهش انباشت سرمایه و کندی رشد اقتصادی انجامید. تحولات سیاسی بعد از دوم خرداد، تنزل بهای نفت در بازار جهانی و خشکسالی نیز در سال‌های برنامه مزید بر مسئله دیون خارجی شد و رشد اقتصادی را دچار وقفه کرد. درآمد سرانه که در دهه ۷۵-۱۳۶۵ بارشد سالانه ۲/۲ درصد افزایش یافته بود در طی دوره ۷۸-۱۳۷۵ با نرخ نازل‌تر ۲/۱ درصد رشد یافت. از این‌رو در سال ۱۳۷۸ درآمد سرانه به قیمت ثابت به میزان ۲۸/۷ درصد کمتر از سال ۱۳۵۵ بود. اینها همه شرایطی به مراتب دشوارتر را برای مردم فقیر و کم درآمد فراهم آورد.

به علاوه نرخ بیکاری در سال‌های اجرای برنامه دوم به سرعت رو به افزایش نهاد و از ۹ درصد در سال ۱۳۷۵ به ۱۳/۵ درصد در سال ۱۳۷۸ رسید. (نخجوانی، ۱۳۸۲) بدیهی است بیکاری ریسک فقر را به سرعت افزایش می‌دهد. به گزارش بانک جهانی "بیکاری و فقر ارتباط نزدیکی با هم دارند. اگر سرپرست خانوار بیکار باشد، خانواده به احتمال زیاد فقیر خواهد بود. فقر در خانواده‌های با سرپرست بیکار بیشتر از خانواده‌های با سرپرست شاغل است. ... در سال ۱۳۷۷ احتمال فقیر بودن برای خانواده‌های با سرپرست بیکار در مناطق روستایی ۱۱ درصد بیشتر از خانواده‌های با سرپرست شاغل بوده است. این اختلاف برای مناطق شهری ۸ درصد گزارش شده است. (صالحی اصفهانی، ۲۰۰۲)

برنامه دوم در شرایطی آغاز شد که مطابق خوش‌بینانه‌ترین محاسبات ۱۱ میلیون نفر از جمعیت کشور زیر خط فقر مطلق قرار داشتند. در سال ۱۳۷۳ یعنی یکسال قبل از برنامه دوم در خصوص کمیت فقر مطالعاتی صورت گرفت. مطابق نتایج حاصل از این بررسی ۱۵/۸ درصد خانوارهای کشور دچار فقر نسبی بوده‌اند. در این مطالعه مشخص شد ۱۷ درصد خانوارهای شهری و ۱۵ درصد خانوارهای روستایی جزو اقشار فقیر قرار دارند. (نیلی و دیگران، ۱۳۷۶)

با تصویر ارائه شده از وضعیت عمومی اقتصاد کشور در برنامه دوم، مروری بر پاره‌ای از شاخص‌های "فقر" و نابرابری طی دوره مورد بررسی خواهیم داشت.

۱-۲-۱- شاخص‌های فقر و نابرابری

شاخص ضریب جینی که تغییرات آن بین صفر و یک می‌باشد تا حدودی وضعیت نابرابری توزیع درآمد را مشخص می‌سازد. ارقام مربوط به ضریب جینی در برنامه دوم (جدول شماره ۲) با نوسان از ۰/۴۲۷ در ۱۳۷۴ تا ۰/۴۲۲ در ۱۳۷۶ و سپس به ۰/۴۲ در ۱۳۷۸ رسیده است.

روند تغییرات ضریب جینی در نقاط شهری در میانه دوره رو به کاهش گذاشته و سپس در پایان دوره افزایش پیدا کرده است. در نواحی روستایی با وجود تغییرات جزئی در پایان دوره ضریب جینی ۰/۴۲ بوده است. در هر حال بنظر می‌رسد در مجموع ضریب جینی طی سال‌های برنامه تغییر قابل ملاحظه‌ای نداشته است، این امر نشانه وجود نابرابری ناپایدار در طول دوره مورد بحث می‌باشد.

جدول ۲- ضریب جینی توزیع در مناطق شهری و روستایی طی برنامه دوم توسعه (۷۸-۱۳۷۴)

سال	۷۴	۷۵	۷۶	۷۷	۷۸
کل کشور	۰/۴۲۷	۰/۴۳	۰/۴۲۲	۰/۴۳	۰/۴۲
نواحی شهری	۰/۴۰۲	۰/۴۰۴	۰/۳۹	۰/۳۹	۰/۴
نواحی روستایی	۰/۴۳۷	۰/۴۲	۰/۴۲	۰/۴۴	۰/۴۳

مأخذ: مرکز آمار ایران، آمار بودجه خانوار طی سال‌های مورد بررسی

۱-۲-۲- براساس داده‌های به دست آمده، خط فقر نسبی در سال ۱۳۷۸ یعنی پایان برنامه دوم توسعه برای یک خانوار ۵ نفره، ماهانه به قیمت‌های ثابت سال ۱۳۷۹ در جامعه شهری ۸۵۴۴۱۰ ریال و در جامعه روستایی ۵۶۰۵۹۴ ریال برآورد شده است.

جدول ۳- درصد خانوارهای شهری زیر خط فقر طی برنامه دوم توسعه (۷۸-۱۳۷۴)

سال	۷۴	۷۵	۷۶	۷۷	۷۸
شهری (خط فقر اول)	۱۸/۸	۱۹/۴	۱۷/۷	۱۸/۷	۱۸/۳
شهری (خط فقر دوم)	۴/۵	۴/۴	۳/۷	۴/۴	۴/۱

مأخذ پایه: سازمان مدیریت و برنامه ریزی کشور، گزارش اقتصادی سال ۱۳۷۹ محاسبه جمعیت زیر خط فقر بر پایه دوروش متفاوت در جدول ۳ نشان داده شده است. در خط فقر اول نصف میانه هزینه خانوار به عنوان خط فقر در

نظر گرفته شده و در خط فقر دوم ربع میانه هزینه خانوار ملاک قرار داده شده است، که طبعاً شدت فقر برای خانوارهای زیر خط دوم فقر به مراتب بیشتر از خط اول فقر می باشد. همچنانکه ملاحظه می شود نسبت جمعیت زیر خط فقر در مناطق شهری بر پایه هر دوروش در طول سال های برنامه ثابت بوده و تغییر چندانی نداشته . اگرچه با توجه به رشد جمعیت در طول سال های مذکور بدیهی است که تعداد جمعیت زیر خط فقر افزایش یافته اند.

جدول ۴، درصد خانوارهای روستایی واقع در زیر خط فقر را بر پایه دو روش اشاره شده در فاصله سال های اجرای برنامه دوم توسعه نشان می دهد.

جدول ۴- درصد خانوارهای روستایی واقع در زیر خط فقر

سال	۷۴	۷۵	۷۶	۷۷	۷۸
روستایی (خط فقر اول)	۲۳/۴	۲۱/۹	۲۱/۳	۲۱/۳	۲۲/۶
روستایی (خط فقر دوم)	۸/۵	۷/۴	-	-	۷/۰

منبع: سازمان مدیریت و برنامه ریزی کشور: گزارش اقتصادی سال ۱۳۷۹ همچنانکه ملاحظه می شود بر پایه گزارش سازمان مدیریت و برنامه ریزی سهم جمعیت زیر خط فقر بر پایه هر دو روش محاسبه خط فقر کمی کاهش یافته است. براساس روش اول محاسبه، نسبت جمعیت زیر خط فقر از ۲۳/۴ درصد در سال ۱۳۷۴ به ۲۲/۶ درصد در سال ۱۳۷۸ رسیده است. در هر حال گرچه درصد خانوارهای زیر خطوط فقر در جوامع شهری و روستایی اندکی تقلیل یافته اما با توجه به افزایش جمعیت، تعداد خانوارهای زیر خط فقر تغییر قابل توجه نداشته و جمعیت آن به زیر خط فقر به مثابه یکی از معضلات اجتماعی در مقیاس ملی اهمیت و حساسیت خود را از دست نداده است. با وجود گزارش های فوق مطالعات مشابه نتایج متفاوتی را از وضعیت فقر و نابرابری در سال های اجرای برنامه دوم گزارش کرده اند. براساس مطالعه ای که در مؤسسه عالی پژوهش در برنامه ریزی و توسعه انجام شده در سال ۱۳۷۷ یعنی یک سال پیش از پایان برنامه دوم ۱۸/۷ درصد خانوارهای شهری و ۲۱/۸ درصد خانوارهای روستایی زیر خط فقر نسبی قرار داشته اند. در این مطالعه مقیاس نصف میانه هزینه خانوار برای تعیین جمعیت زیر خط فقر مورد استفاده قرار گرفته است.

در مطالعه دیگری با مقیاس قرارداد نصف میانگین هزینه خانوارها (چارک اول) به عنوان ملاک تعیین خط فقر نسبی نتیجه گرفته شده در سال ۱۳۷۷ در حدود ۱۵/۹۱ درصد افراد در مناطق شهری و ۲۰/۸۲ افراد در مناطق روستایی در زیر خط فقر نسبی بوده اند. جدول ۵ روند جمعیت زیر خط فقر نسبی را در فاصله سال های ۷۷-۱۳۷۴ با معیار نصف میانگین هزینه خانوار نشان می دهد. براساس محاسبات مذکور در سال ۱۳۷۷ حدود

۱۱ میلیون نفر از جمعیت کشور زیر خط فقر نسبی به سر می برده اند. این در حالی است که براساس همین مطالعه در سال مورد بحث ۱۵/۹۶ میلیون نفر از جمعیت کشور در زیر خط فقر مطلق بوده است. نکته دارای اهمیت دیگر در این زمینه آن است که برخلاف کشورهای پیشرفته که خط فقر نسبی به مراتب بالاتر از خط فقر مطلق است در کشور ما، میزان هزینه ای که خط فقر مطلق را ترسیم می نماید، بسیار بزرگتر از میزان هزینه ای است که خط فقر نسبی را به دست می دهد. این یافته در تحقیق دیگری برای سه دوره قبل از برنامه اول (تا سال ۱۳۶۷)، دوران برنامه اول (۷۲-۱۳۶۸) و دوران برنامه دوم (۷۸-۱۳۷۴) نیز مورد تأیید قرار گرفته است. (رنانی، ۱۳۷۹)

جدول ۵- نسبت افراد زیر خط فقر نسبی به تفکیک شهر و روستا در سال های اجرای برنامه دوم (۷۷-۱۳۷۴)

عنوان	سال	۱۳۷۴	۱۳۷۵	۱۳۷۶	۱۳۷۷
درصد افراد زیر خط فقر در شهر	۱۹/۱	۲۳/۲۵	۲۴/۳	۱۵/۹۱	
درصد افراد زیر خط فقر در روستا	۱۵/۳	۱۸/۱	۱۹/۴	۲۰/۸۲	

بنابر نظر رنانی (۱۳۷۹) در دوران دو برنامه (اول و دوم) از یک سو جمعیت زیر خط فقر مطلق افزایش یافته و از سوی دیگر بر جمعیت زیر خط فقر نسبی پیشی گرفته است و این به معنای گسترش فقر از یک سو و عادلانه تر شدن توزیع آن در میان فقرا از سوی دیگر می باشد... متوسط هزینه فقرای نسبی تا سال ۱۳۶۸ در سطحی بالاتر از متوسط هزینه فقرای مطلق می باشد و از آن پس در سطحی پایین تر قرار می گیرد.

از نتایج چنین وضعیتی فشار روز افزون بر طبقات متوسط و سقوط آنها به زیر خط فقر مطلق است. در گزارش دیگری فقر نسبی با معیار دوسوم متوسط درآمد جامعه بررسی شده است. جدول ۶ نتایج حاصل از گزارش یادشده را نشان می دهد.

جدول ۶- معیارها و نسبت خانوارهای کم درآمد در سال ۱۳۷۷

روستایی	شهری	
۱۱/۰۵۱/۰۳۰	۱۷/۴۹۱/۱۳۵	متوسط هزینه کل (ریال)
۷/۳۶۷/۰۰۰	۱۱/۶۶۰/۰۰۰	متوسط درآمد جامعه (ریال)
دهک های سوم و چهارم	دهک های سوم و چهارم	دهک های مشمول
و بخشی از پنجم	چهارم	
حدود ۲۸ درصد	حدود ۲۵ درصد	درصد خانوارهای کم درآمد

بنابراین براساس مطالعه فوق ۲۵ درصد خانوارهای شهری و ۲۸ درصد خانوارهای روستایی در سال ۱۳۷۷ علاوه بر خانواده های فقیر در شمار گروه کم درآمد یا فقر نسبی قرار داشته اند.

در پژوهش دیگری فقر نسبی در سال آغازین برنامه دوم با

۱۳۸۵
۱۳۸۰
۱۳۸۵
۱۳۹۰
۱۳۹۵
۱۴۰۰

جدول ۹- درصد جمعیت زیر خط فقر و خط فقر سرانه سالیانه در شهر و روستا در سال‌های اجرای برنامه دوم

سال	شهر		روستا	
	درصد	خط فقر ریالی	درصد	خط فقر ریالی
۱۳۷۲	۱۳	۶۸۳۱۳۸	۲۱/۵	۲۹۰۵۲۶
۱۳۷۵	۱۵/۶	۱۰۱۲۰۶۷	۱۸/۱	۵۴۵۰۰۰
۱۳۷۶	۹/۲۱	۹۲۹۹۴۴	۱۷/۸	۷۰۰۱۷۸
۱۳۷۷	۱۲	۱۳۳۸۷۹۰	۱۶/۴	۷۸۵۴۱۹

مطابق نتایج به دست آمده از پژوهش مذکور درصد جمعیت زیر خط فقر مطلق در شهرها کمی کاهش نشان می‌دهد و از ۱۳ درصد در سال ۱۳۷۴ به ۱۲ درصد در سال ۱۳۷۷ رسیده است. این شاخص در روستاها با شدت بیشتری کاهش یافته و از ۲۱/۵ درصد در سال مبداء به ۱۶/۴ درصد در سال ۱۳۷۶ تغییر کرده است.

دکتر پژوهشگران در گزارش خود خاطر نشان می‌سازد فقر بین همه زیر گروه‌های عمده جوامع شهری و روستایی توزیع شده و در همه گروه‌های شغلی از جمله کارفرمایان، کارکنان مستقل، کارکنان بخش دولتی و بخش خصوصی و بیکاران و کارکنان فصلی و فامیلی فقر وجود دارد، اما در سال‌های اجرای برنامه (۱۳۷۴-۷۷) به جز در گروه کارفرمایان در همه گروه‌های شغلی جمعیت زیر خط فقر مطلق کاهش یافته است. (پژویان، ۱۳۷۹) به هر حال در خوش‌بینانه‌ترین سناریو و براساس محاسبات سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور در پایان برنامه دوم توسعه ۱۵/۹۶ میلیون نفر از جمعیت کشور زیر خط فقر مطلق به سر می‌برده‌اند که برای رهایی آنها از فقر مطلق بودجه ای معادل ۶۸۶۶ میلیارد ریال نیاز بوده است.

۱-۲-۳- مقایسه دهک‌ها

حتی اگر خوش‌بینانه‌ترین ارزیابی‌ها از تخمین جمعیت زیر خط فقر مطلق پذیرفته شود، باید به این نکته مهم نیز توجه کرد که کیفیت غذای بخش عمده‌ای از طبقات اجتماعی به دلیل افزایش هزینه کالری مورد نیاز با ریز مغذی‌های لازم تنزل یافته است.

جدول‌های ۱۰ و ۱۱ سهم هزینه‌های مصرفی دهک‌ها را در خانواده‌های شهری و روستایی در سال‌های برنامه دوم نشان داده و نسبت‌های دهک دهم به اول و دو دهک بالا به پایین را در دوره زمانی مورد بحث مشخص کرده است.

مطابق ارقام مندرج در جدول طی سال‌های برنامه، سهم دهک اول از کل هزینه‌ها در شهرها کمی افزایش یافته و از ۱/۷۸ درصد در سال ۱۳۷۵ به ۱/۹۴ درصد در سال ۱۳۷۸ رسیده است. این روند در روستا مشابه بوده و سهم دهک اول از هزینه‌ها از ۱/۴۳ درصد در سال ۱۳۷۵ به ۱/۵۱ درصد در سال ۱۳۷۸ رسیده است. در مورد دهک دهم روند شاخص مذکور در شهر و روستا متفاوت گزارش

روی کرد نصف میانه هزینه خانوار بررسی شد. براساس مطالعه مذکور ۱۷٪ خانوارهای شهری، ۱۵٪ خانوارهای روستایی و ۱۵/۸٪ کل خانوارها زیر خط فقر نسبی بوده‌اند. تلفیق اطلاعات مذکور با نتایج مطالعه سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور در جدول ۷ تصویر مشخصی از روند فقر نسبی در سال‌های آغاز و پایان برنامه دوم ارائه می‌دهد.

جدول ۷- فقر نسبی در کشور در سال ۱۳۷۳ و ۱۳۷۷ با رویکرد نصف میانه هزینه خانوار

سال	۱۳۷۷	۱۳۷۳	
خانوارهای شهری	۱۷/۰	۱۸/۷۲	
خانوارهای روستایی	۱۵/۰	۲۱/۷۶	
کل خانوارها	۱۵/۸	۲۰/۲۳	

نتایج مندرج در جدول فوق‌الذکر نشان دهنده افزایش فقر نسبی در سال‌های اجرای برنامه دوم می‌باشد.

پژوهشگر دیگری بر پایه مطالعات انجام شده اعلام نموده به‌طور متوسط در فاصله سال‌های ۷۸-۱۳۷۴ حداقل ۴۵ درصد از جمعیت کشور زیر خط فقر مطلق و ۲۵ درصد نیز زیر خط فقر نسبی قرار گرفته‌اند. (رئیس‌دانا، ۱۳۷۹)

بنابراین براساس مطالعات موجود در دوران برنامه دوم، جمعیت زیر خط فقر نسبی به‌طور کلی افزایش پیدا کرده است اگرچه سرعت این رشد در روستاها بسیار بیشتر از شهرها بوده است.

براساس گزارش‌های منتشر شده توسط مرکز آمار ایران در ۱۳۷۷ نسبت افراد و خانوارهای زیر خط فقر مطلق، به قرار مندرج در جدول شماره ۸ بوده است.

جدول ۸- نسبت جمعیت زیر خط فقر مطلق در سال ۱۳۷۷ بر حسب فرد و خانوار (درصد)

واحد محاسبه	فرد	خانوار
شهری	۱۴/۶۳	۱۱/۵
روستایی	۱۶/۷۸	۱۵/۲
کل	۱۵/۴۸	۱۳/۰۶

همان‌طور که ملاحظه می‌شود براساس گزارش یادشده در سال ۱۳۷۷ معادل ۱۴/۶۳ درصد جمعیت شهری و ۱۶/۷۸ درصد جمعیت روستایی امکان تأمین نیازهای اساسی خود را نداشته‌اند. این شاخص در مورد خانوارها به ترتیب در شهر و روستا معادل ۱۱/۵ درصد و ۱۵/۲ درصد گزارش شده است.

دکتر جمشید پژوهشگران درصد فقر و خط فقر سرانه سالیانه را در دوره برنامه دوم محاسبه کرده که نتایج به دست آمده در جدول ۹ آمده است.

شده، به این معنا که در خانواده‌های شهری سهم دهک دهم از هزینه‌ها از ۲۹/۸۲ درصد در سال ۱۳۷۵ با کمی کاهش به ۲۹/۳۰ درصد در سال ۱۳۷۸ رسیده است، در حالی که در روستاها سهم دهک دهم در سال ۱۳۷۵ معادل ۳۰/۵۵ درصد بوده که با کمی افزایش در سال ۱۳۷۸ به ۳۱/۰۲ درصد رسیده است. مقایسه نسبت هزینه دهک دهم به دهک اول روند شکاف و نابرابری را در سال‌های برنامه بهتر نشان می‌دهد. طی سال‌های برنامه نسبت دهک دهم به اول در شهرها از ۱۶/۵ برابر در سال ۱۳۷۴ به ۱۵/۱ برابر در سال ۱۳۷۸ رسیده است. در سال‌های اجرای برنامه اگرچه روند یکساختی ملاحظه نمی‌شود اما در هر حال به نظر می‌رسد از میزان نابرابری تا حدودی کاسته شده است. بررسی روند نسبت سهم هزینه در دو دهک بالا به دو دهک پایین در خانواده‌های شهری نشان می‌دهد که تغییر قابل توجهی در میزان نابرابری کلی در سال‌های برنامه بوجود نیامده و در هر دو سال ابتدا و انتهای برنامه این نسبت برابر ۸/۱۸ درصد است. شاخص‌های یادشده در بین خانواده‌های روستایی نیز وضعیت مشابهی را نشان می‌دهد. در واقع در فاصله سال‌های ۱۳۷۴ تا ۱۳۷۸ نسبت دهک دهم به اول از ۲۳/۵ برابر به ۲۰/۵۴ برابر رسیده است. یعنی از میزان نابرابری در روستاها کمی کاسته شده است. در عین حال در همین دوره زمانی سهم دو دهک بالایی به دو دهک پایینی نیز از ۱۱/۳۴ برابر در سال آغازین برنامه به ۱۰/۴۰ در سال پایانی رسیده که بنظر می‌رسد کمی از نابرابری موجود

کاسته شده است. در سال ۱۳۷۸، ۱۰ درصد خانواده‌های شهری (دهک پایین) ۱/۹۴ درصد هزینه‌های مصرفی را داشته‌اند و در مقابل ۱۰ درصد دهک بالای شهری ۲۹/۳ درصد مصرف جامعه شهری را به خود اختصاص داده‌اند (۱/۱۵ برابر) در همین سال خانواده‌های روستایی دهک اول فقط ۱/۵۱ درصد مصرف و خانواده‌های روستایی دهک آخر ۳۱/۰۲ درصد مصرف جامعه روستایی را داشته‌اند (۲۰/۵۴ برابر) این نابرابری شدید مصرف اولاً معرف نابرابری شدید توزیع درآمد و ثروت است و ثانیاً این ارقام نشان می‌دهد نابرابری جامعه روستایی به مراتب بیشتر از نابرابری جامعه شهری بوده است (نسبت ۲۰/۵۴ در مقابل ۱۵/۱ در سال ۱۳۷۸). نکته مهم دیگر آن که مجموع سهم دهک‌های ششم به پایین از کل هزینه‌ها کمتر از ۳۰ درصد است و این بدان معناست که دهک دهم به اندازه مجموع هزینه‌های دهک‌های اول تا ششم هزینه کرده است. برپایه گزارش وزارت اقتصاد و دارایی (۱۳۸۳) کاهش نسبی اختلاف هزینه‌ها بین بالاترین و پایین‌ترین دهک درآمدی به میزان قابل ملاحظه‌ای حاصل کاهش نرخ رشد اقتصادی و کند شدن سیاست‌های تعدیل بوده است.

۱-۲-۴ - سهم هزینه‌های خوراکی، دخانی و غیر خوراکی براساس نتایج به دست آمده از طرح هزینه درآمد خانوار در دوره زمانی مورد بررسی سهم هزینه‌های خوراکی و دخانی از کل

جدول ۱۰ - سهم هزینه مصرفی دهک‌ها در خانواده‌های روستایی دهک دهم به اول و دو دهک بالا به دو دهک پایین

سال	دهک اول	دهک دوم	دهک سوم	دهک چهارم	دهک پنجم	دهک ششم	دهک هفتم	دهک هشتم	دهک نهم	دهک دهم	نسبت دهک دهم به اول	نسبت دهک دهم به بالا
۱۳۷۴	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	۲۳/۵	۱۱/۳۴
۱۳۷۵	۱/۴۳	۳/۱۱	۴/۴۳	۵/۶۹	۷/۰۱	۸/۴۰	۱۰/۲۱	۱۲/۶۳	۱۶/۵۳	۲۰/۵۵	۲۱/۳۰	۸/۶۷
۱۳۷۶	۱/۵۱	۳/۲۲	۴/۴۶	۵/۶۶	۶/۹۳	۸/۴۲	۱۰/۱۲	۱۲/۴۶	۱۶/۲۷	۲۰/۹۵	۲۰/۵۰	۹/۹۰
۱۳۷۷	۱/۳۵	۲/۹۹	۴/۲۲	۵/۱۴	۶/۷۱	۸/۱۲	۹/۹۵	۱۲/۴۲	۱۶/۶۸	۲۲/۱۳	۲۳/۸۰	۱۱/۲۰
۱۳۷۸	۱/۵۱	۳/۱۱	۴/۳۲	۵/۵۲	۶/۸۲	۸/۳۲	۱۰/۱۷	۱۲/۶۵	۱۶/۵۶	۳۱/۰۲	۲۰/۵۴	۱۰/۴۰

جدول ۱۱ - سهم هزینه مصرفی دهک‌ها در خانواده‌های شهری و نسبت‌های دهک دهم به اول و دو دهک بالا به دو دهک پایین

سال	دهک اول	دهک دوم	دهک سوم	دهک چهارم	دهک پنجم	دهک ششم	دهک هفتم	دهک هشتم	دهک نهم	دهک دهم	نسبت دهک دهم به اول	نسبت دهک دهم به بالا
۱۳۷۴	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	۱۶/۵	۸/۱۸
۱۳۷۵	۱/۷۸	۳/۵۰	۴/۷۲	۵/۸۸	۷/۰۶	۸/۴۵	۱۰/۱۶	۱۲/۴۶	۱۶/۱۷	۲۹/۸۲	۱۶/۸	۸/۶۷
۱۳۷۶	۱/۹۷	۳/۲۲	۴/۹۱	۶/۰۳	۷/۲۰	۸/۵۰	۱۰/۰۳	۱۲/۲۲	۱۵/۸۶	۲۹/۵۵	۱۵/۱۰	۷/۹۷
۱۳۷۷	۱/۹۵	۳/۷۲	۴/۹۱	۶/۰۴	۷/۲۱	۸/۲۵	۱۰/۱۶	۱۲/۲۲	۱۶/۲۱	۲۸/۸۶	۱۲/۸	۷/۸۱
۱۳۷۸	۱/۹۴	۳/۶۴	۴/۸۵	۵/۹۴	۷/۱۷	۸/۵۴	۱۰/۱۶	۱۲/۴۱	۱۶/۰۷	۲۹/۳۰	۱۵/۱	۸/۱۸

مأخذ: گزارش مرکز آمار ایران

جدول ۱۲ - رشد هزینه واقعی کالاهای صنعتی در سید کالاهای غیر خوراکی خانوارهای شهری

شرح	۱۳۷۶-۷۹
پوشاک و کفش	۱۰/۷٪ -
لوازم و اثاثیه	۶/۴٪ -
بهداشت و درمان	۳۸/۸٪
حمل و نقل و ارتباطات	۵۸/۹٪
تحصیل و آموزش	۲۱٪
خدمات متفرقه	۱۵۲٪

منبع: نخجوانی، ۱۳۸۲

مطابق یافته‌های بالا خانوارهای ایرانی در دهه ۷۰ خصوصاً در دوره زمانی برنامه دوم مصرف کالاهای صنعتی خود را کاهش و مصرف کالاهای خدماتی را به شدت افزایش داده‌اند. بی‌گمان چنین تغییر ساختاری و روی آوردن خانوارها از کالاهای صنعتی به کالاهای خدماتی ناشی از فقر است، زیرا آنها برای تخصیص بودجه ناچار بودند بهداشت و درمان، تحصیل و آموزش و حمل و نقل را در اولویت قرار دهند و سپس به خرید کالاهایی همچون پوشاک و کفش و نیز لوازم و اثاثیه زندگی بپردازند. درست به همین دلیل در سال‌های اخیر تعداد کلاس‌های کنکور، درمانگاه‌های خصوصی، داروخانه‌ها و... به نحو چشمگیری افزایش یافته است. همچنین بررسی سهم اجزای هزینه‌های خوراکی و روند تغییرات آنها نیز نشان دهنده کاهش کیفیت تغذیه خانوارهای شهری می‌باشد. در واقع با وجود کاهش سهم هزینه‌های خوراکی از کل هزینه‌ها به نظر می‌رسد خانوارهای کم درآمد برای جبران کاهش قدرت خریدشان مصرف مواد گران قیمت مثل گوشت شیر و ماست، تخم مرغ و برنج را کاهش داده‌اند. جدول شماره ۱۵ این نظر را در سال‌های آغازین و پایانی برنامه تأیید می‌کند. جدول ۱۵ - مصرف مواد پروتئینی، قند و نشاسته ای یک خانوار شهری در سال‌های منتخب ۱۳۷۶-۱۳۷۲ (واحد: کیلوگرم)

ماده مصرفی	۱۳۷۲	۱۳۷۶
برنج	۲۰۱	۱۸۶
نان	۴۰۱	۶۵۴
گوشت دام	۸۵	۷۸
گوشت پرندگان	۷۱	۷۱
شیر و ماست	۲۸۱	۲۶۲
پنیر	۲۳	۲۲
تخم مرغ	۴۵	۴۱
قند و شکر	۳۹	۲۹
چای	۸	۷

ماخذ: بانک مرکزی ج.ا.ا، نتایج بودجه خانوار در مناطق شهری در سال ۱۳۷۶، تهران،

بهمن ۱۳۷۷

هزینه‌ها در حدود ۳۰ درصد نوسان داشته و دامنه آن در شهرها از ۳۲/۳۸ درصد در سال ۱۳۷۴ به ۲۹/۵۹ درصد در سال ۱۳۷۷ رسیده است. در مناطق روستایی نیز سهم هزینه‌های خوراکی - دخانی از کل هزینه خانوار کمی کاهش نشان می‌دهد و از ۴۸/۷۳ درصد در سال ۱۳۷۴ به ۴۶/۴۴ درصد در سال ۱۳۷۷ رسیده است. ارقام یادشده نشان دهنده فقر عمومی در مناطق روستایی است زیرا نزدیک به نیمی از هزینه‌های خانوارهای روستایی صرف مواد غذایی شده است.

جدول ۱۲ - سهم هزینه‌های خوراکی - دخانی خانوارهای شهری و روستایی

سال	۱۳۷۴	۱۳۷۵	۱۳۷۶	۱۳۷۷
مناطق روستایی	۳۲/۳۸	۲۸/۹۴	۲۸/۲۴	۲۹/۵۹
مناطق شهری	۴۸/۷۳	۴۵/۵۶	۴۴/۹۵	۴۶/۴۴

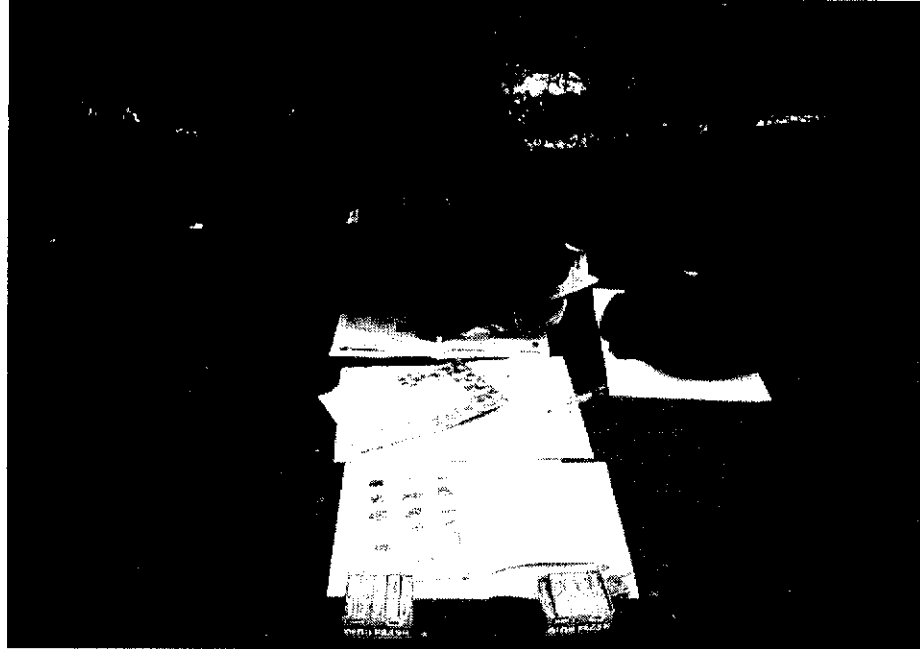
ماخذ: گزارش مرکز آمار ایران.

بررسی سهم هزینه‌های خوراکی - دخانی از کل هزینه‌ها در خانوارهای زیر خط فقر وضعیت به مراتب وخیم‌تری را نشان می‌دهد. جدول شماره ۱۳ سهم هزینه‌های خوراکی - دخانی خانوارهای زیر خط فقر حاکی از وضعیت به مراتب وخیم‌تری است. جدول ۱۳ - سهم هزینه‌های خوراکی - دخانی خانوارهای زیر خط فقر

سال	۱۳۷۴	۱۳۷۵	۱۳۷۶	۱۳۷۷
مناطق روستایی	۴۵	۴۳	۴۳	۴۲
مناطق شهری	۵۸	۵۷	۵۵	۵۶

ماخذ: سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور، برنامه مبارزه با فقر، ۱۳۷۹
سهم هزینه‌های خوراکی خانوارهای زیر خط فقر در مناطق شهری در سال‌های اجرای برنامه دوم بین ۴۲ تا ۴۵ درصد و در مناطق روستایی ۵۶ تا ۵۸ درصد گزارش شده است. این نسبت‌ها به خوبی سطح رفاه پایین فقرا نسبت به میانگین جامعه را بویژه در مناطق روستایی نشان می‌دهد.

بهر حال با وجود آن که در یک جامعه ثروتمند هزینه‌های خوراکی حدود ۱۴-۱۵ درصد کل هزینه خانوار را تشکیل می‌دهد، در ایران در سال ۱۳۷۷ حدود ۲۹/۶ درصد هزینه خانوار شهری و ۴۶/۴ درصد هزینه خانوار روستایی صرف غذا شده است. این نسبت برای خانوارهای زیر خط فقر به ترتیب ۴۲ درصد و ۵۶ درصد بوده است. بررسی ساختار مصرف خانوارها و خصوصاً مصرف کالاهای غیر خوراکی نشان می‌دهد که مصرف خانوارها در طول سال‌های برنامه دوم توسعه مثل برنامه پیشین از بخش صنعت فاصله گرفته و به سوی بخش خدمات سوق یافته است.



نسبی کاهش نرخ تورم تا سال ۱۳۷۶ ادامه یافت. در سال ۱۳۷۷ تحت تأثیر کاهش قابل ملاحظه درآمدهای نفتی، روند صعود قیمت‌ها آغاز شد، اما تورم از ۱۸/۱ درصد بالاتر نرفت. در سال‌های بعد بلافاصله تحت تأثیر مسئله بدهی‌ها، کاهش قیمت نفت و افزایش نرخ رشد نقدینگی مجدداً نرخ تورم رو به افزایش گذاشت و در سال ۱۳۷۸ به ۲۰/۱ درصد رسید.

از این رو در مجموع طی سال‌های اجرای برنامه دوم توسعه (۷۸-۱۳۷۴) میانگین نرخ رشد قیمت‌ها معادل ۲۵/۱ درصد بود که در نتیجه آن با کاهش قدرت خرید طبقات کم درآمد، وضعیت معیشتی این گروه‌ها

به شدت تهدید شد.

۱-۲-۵- شاخص رفاه اجتماعی

برابر داده‌های مندرج در جدول شماره ۱۶، اقتصاد کشور طی برنامه دوم توسعه از نظر شاخص رفاه اجتماعی به جز سال ۱۳۷۷ روند فزاینده‌ای را طی کرده است. این شاخص رابطه مستقیمی با رشد اقتصادی داشته و چنانچه تولید آسیب‌پذیر گردد و اقتصاد دچار رکود شود این شاخص نیز کاهش می‌یابد.

جدول ۱۶- شاخص رفاه اجتماعی طی سال‌های اجرای برنامه دوم (۱۳۷۸-۱۳۷۴)

شرح	۷۴	۷۵	۷۶	۷۷	۷۸
درآمد سرانه (هزار ریال)	۲۰۸/۶	۲۱۶/۶	۲۲۲/۴	۲۲۱/۷	۲۲۲/۹
شاخص بهبود توزیع درآمد	۰/۵۷۳	۰/۵۷	۰/۵۶	۰/۵۶	۰/۵۵
شاخص رفاه اجتماعی	۱۱۹/۵	۱۲۳/۵	۱۲۴/۸	۱۲۳	۱۲۲/۶

مأخذ: سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور، گزارش اقتصادی سال ۱۳۷۷.

۱-۲-۶- جمع‌بندی

از مجموع اطلاعات موجود می‌توان نتیجه گرفت که:

- ۱- فقر نسبی براساس رویکرد نصف میانه هزینه خانوار در سال‌های اجرای برنامه دوم افزایش یافته است.
- ۲- پدیده بالارفتن خط فقر مطلق از خط فقر نسبی در طول سال‌های اجرای برنامه به تدریج چهره خود را نشان داده است.
- ۳- در مناطق شهری از فاصله درآمدی دهک بالا و پایین کاسته شده اما در روستاها این روند معکوس بوده است.
- ۴- اگرچه ضریب جینی در مناطق شهر و روستایی کمی کاهش یافته اما از آنجا که این ضریب بر حسب میزان هزینه خانوارهای ایرانی محاسبه شده، با توجه به عمیق‌تر بودن شکاف درآمدی تا شکاف هزینه‌ای، به نظر می‌رسد نابرابری خانوارها در کشور بیش از میزان گزارش شده بر حسب ضریب جینی می‌باشد.

براساس مطالعه‌ای که توسط انستیتو تحقیقات تغذیه و صنایع غذایی کشور در سال ۱۳۷۴ انجام شده، مصرف پروتئین در پایین‌ترین دهک درآمدی روستایی تنها ۱۷ درصد بالاترین طبقه و کمتر از ۴۰ درصد متوسط بوده است که نابرابری شدید را نشان می‌دهد. میزان دریافت آهن، یکی از ضروری‌ترین مواد مغذی که در افزایش توان فکری و جسمی جامعه تأثیر دارد در دهک پایین، یک سوم متوسط جامعه بوده است. دریافت ویتامین A نیز در طبقه پایین درآمدی، تنها ۱۲ درصد طبقه بالا و کمتر از ۳۰ درصد طبقه متوسط جامعه روستایی بوده است. در مورد جامعه شهری نیز مصرف پروتئین پایین‌ترین دهک، دو سوم متوسط و دریافت کلسیم کمتر از ۵۰ درصد متوسط بوده است. همچنین در دهک فقیر ویتامین A حدود ۴۰ درصد متوسط مصرف جامعه و کمتر از یک چهارم مصرف طبقه درآمدی بالا، بوده است. نتایج دیگر مطالعات مشابه خصوصاً براساس نتایج طرح هزینه - درآمد خانوار نشان می‌دهد که در سال‌های برنامه دوم، سبد غذای خانوارها کوچک‌تر شده و تغییراتی در محتوای آن روی داده است. از جمله میزان گوشت، لبنیات، میوه و سبزی کاهش یافته و کالاهای نشاسته‌ای، قندی و چربی‌ها افزایش یافته است. در واقع می‌توان نتیجه‌گیری کرد که مقتضیات اقتصادی، خانوارها را وادار به تغییر الگوی مصرف، از سبد غذایی موجود به سبزی ارزان‌تر کرده است که بیش از آن که تأمین‌کننده نیازهای واقعی بدن باشد، صرفاً سیرکننده شکم بوده است.

نرخ تورم در سال ۱۳۷۳ یعنی در آستانه برنامه دوم توسعه به ۳۵/۲ درصد رسید و این امر موجب شد تا بازنگری‌هایی در سیاست‌های قیمت انجام شود. از این رو دولت تجدید نظرهایی در سرعت اجرای سیاست‌های تعدیل به عمل آورد. تداوم سیاست‌های تثبیت تا حدودی به کاهش نرخ تورم انجامید. ادامه سیاست‌های تثبیت، افزایش نرخ رشد تولید ناخالص داخلی (۵/۸ درصد) و افزایش واردات بویژه واردات کالاهای اساسی از عمده‌ترین علل کاهش نرخ تورم در سال ۱۳۷۵ بود. لذا نرخ تورم در سال ۱۳۷۵ به ۲۳/۲ درصد رسید که با توجه به کاهش نرخ رشد نقدینگی روند

دی و بهمن ۱۳۸۵
گزارش ایران